

## راز بقا و ترفندهای حکومت اسلامی

- بیست و سه سال فریب مردم ایران و منحرف کردن جنبش های میهنی برای براندازی رژیم
- ملت ایران دیگر نمی بایست به سوی رود که رژیم آن را ترسیم کرده است و ستون پنجم حکومت از آن حمایت می کند.
- هم اکنون سرمایه گذاری حکومت اسلامی در ایجاد طرح وفاق ملی و جریان سوم می باشد.
- تنها راه رهایی ملت ایران حمایت از جنبش براندازی برای رسیدن به دموکراسی، رفاه، عدالت اجتماعی و حاکمیت ملی می باشد.

گروهی دستار بند با تزویر و نیرنگ ملت ما را به شورش واداشتند و آنگاه بر این حرکت جمعی «انقلاب» نام نهادند و خودشان متولی آن شدند، که میوه تلخ این دسیسه چینی ها و فریب و رذالت چنین ریاکارانی موجود پلیدی شد به نام «حکومت اسلامی». اینها از روزی که سکان کشتی صدارت را در دست گرفتند تنها سه کار کردند: دروغ گفتند، دزدی کردند و آدم کشتند، سپس با ایجاد محیط ترس و رعب و وحشت به حکومت ننگین خود ادامه دادند.

همگان بر این نکته آگاه هستند که یکی از اصول مسلم مورد قبول سازمان پارس آن است که این حکومت از نظر کمیت عنصری تجربه ناپذیر است و از نظر کیفیت نباید در انتظار هیچ گونه دگرگونی عمودی یا افقی در عمل کردهای آن داشت، آنها یک سناریو دارند که برای سرگرمی تماشاچیان - بخوانید ملت - اجرا می کنند و هر از چند گاه بازیگران آنرا جابجا می نمایند، و یا در آنجا تغییر لباس میدهند و یا سخنان فریبنده دیگری بر زبان می آورند.

**جریان اول رژیم:** حکومت اسلامی با نخستین کنش و فروپاشی خود در سال های نخستین انقلاب روبرو شد. برون رفت از آن هرگز امکان نداشت مگر با جنگ و یک میلیون جوان ایرانی را بکشتن دادن و پس از آنهم با ننگ و ادبار جام زهر نوشیدن.

پس از جنگ شاید عوامفریبی بنام رفسنجانی بحکومت رسید که در سیاست خارجی خود را معتدل معرفی کرد و در نتیجه شدت نفرت و انزجار مردم جهان را نسبت به این حکومت چپاولگر و فاسد و تروریست کمی کاهش داد، در داخل هم برای کشوری که 8 سال در جنگی ابلهانه درگیر بوده و زندگی اقتصادی و اجتماعی آن دچار ازهم پاشیدگی، ناامنی و فساد گردیده است. او «سیاست تعدیل اقتصادی» را عنوان کرد.

حکومتی که سالها مردم را از مصرف محروم کرده و با اینکه این کشور بسیار غنی میباشد آنرا با جیره بندی اداره می کردند آشکار است که بمجرد باز شدن دروازه ها و آزادی واردات چه بلایی بر سر اقتصاد جامعه میاید، در مدت فقط شش ماه 33 میلیارد بدهی ارزی خارجی ببار آورد.

در این هنگام گرسنگی و ناتندرستی بیداد می کرد. بیکاری و تورم همگانی بود. فقر و فحشا و اعتیاد دیگر نمادینه شده بود و خفقان و تروریسم حکومتی بیداد می کرد و کشورهای جهان در صدد قطع روابط با این حکومت برآمدند و ملت ایران آماده جنبش براندازی شد.

**جریان دوم:** در این هنگام سران و کارگزاران ارشد رژیم جلسه کردند، «باید ترفندی زد که از سقوط حکومت بوسیله مردم پیش گیری بعمل آید.»

در این تفکر که انتخابات مجلس نزدیک است و مردم هم از حکومت اسلامی شخص رفسنجانی و بویژه مظهر آن یعنی ولی فقیه بشدت بیزار و متنفر هستند، بهتر است از جریان دوم استفاده شود تا مردم

به کسی رای بدهند که با خوش خیالی و ظاهر سازی او، تصور کنند بر ضد حکومت رای داده اند، باین ترتیب هم مردم راضی هستند که بوسیله رای دادن در سرنوشت سیاسی کشور به بازی گرفته شده اند و هم اینکه تصور خواهند کرد که در فردای آن روز که خورشید طلوع کرد از شدت حرارت آن ولی فقیه ذوب میشود.

متأسفانه مردم فریب خوردند و این پدیده صورت نگرفت چون يك جاي کار لنگ بود و آنهم اینکه کسی را که مردم برای این کار برگزیده بودند خائن بود و خود از لشکریان دشمن آمده بود. این آخوند دستار بند یکبار انتخاب شد و در امتحان بی لیاقتی، بی کفایتی و چاکر مآبی نسبت به ولی فقیه هر چه داشت

ارائه کرد، خاتمی برای انتخاب ریاست جمهوری برای بار دوم سخت از گذشته خود

نادم و پشیمان بود و در یکی از حوزه های انتخاباتی تهران چنان گریه ای سر داد که مردم خیال کردند کسی روضه حضرت علی اکبر میخواند ولی چنین نبود و این آخوند یزیدی تردست و محیل از مردم طلب عفو و بخشش کرد و اتفاقاً حيله اش کارآمد بود و از صندوق سر برآورد، روز از نو روزی از نو، باز هم همان رئیس جمهور، همان اطرافیان، همان کشتن اندیشمندان آزاده و بستن روزنامه ها و بدبختی و سیه روزی مردم ایران و باز هم شعار اصلاحات.

در تاریخ مشهور است که سیاستمداران میگویند «همه را نمی شود برای همیشه گول زد». اینها باید سر از قبر درآورند و مشاهده نمایند که میشود ولی چند شرط دارد: (1) او آخوند یزیدی باشد (2) در مسجد هامبورگ زیر دست دکتر بهشتی مسئول امور امنیتی زمان شاه باشد (3) تنورسین قتلهاي مخالفین در خارج و داخل باشد (4) همواره دستمال یزیدی بزرگی در دست و در پشت اطاق مقام ولایت برای انجام وظیفه مقیم باشد (5) در دادن شعارهای عوامفربانه و توخالی به مرحله استادی رسیده باشد (6) آنقدر به سادگی و با تبسم دروغ بگوید که حتی خودش هم باورش بشود... بالاخره بهتر پته این موجود هفت خط روی آب ریخته شد و مسئله «اصلاحات» هم از جاذبه و گیرایی افتاد و خاتمی از نظر سیاسی مرد و مردم ایران همزاد او «اصلاحات» را هم در همان تابوت در کنار او دفن کردند.

**جریان سوم:** حال از سویی «اسلام ناب محمدی» روی دست رژیم مانده و آنها شاهد آن هستند که حکومت اسلامی در سرآشیب سقوط است و این حرکت پس از بیست و سه سال فریب مردم ایران و منحرف کردن جنبشهای میهنی برای براندازی، هر روز شتاب بیشتری می گیرد و از سوی دیگر تباهی و سیه روزی مردم به آخرین درجه رسیده و دیگر نه از نظر اقتصادی و نه از نظر سیاسی تاب تحمل این رژیم خون آشام و ستمگر را ندارد.

چنین تصویری از وضع امروز ایران شاید خوش بینانه ترین نوع نگرش به مسائل داخلی باشد. کشورهای همسایه زودتر از ما متوجه عمق فاجعه شدند و بزودی پی بردند که ایران فاقد حکومت مرکزی شده است، آنها بر این باور بودند که ایران کالبد بیجانی شده که یکی میتواند از جنوب جزایر آنرا غصب کند، و دیگری در شمال منابع دریایی آنرا غارت نماید. مجسم کنید هنگامی که يك حیوان درنده بخشی از طعمه خود را میخورد و سیر میشود و محل را رها می کند آنگاه نوبت روباه ها، شغال ها و کرکس ها میرسد که این پس مانده را نوش جان کنند، حال کار بجایی رسیده که باید با استاد سخن همزبان شد و گفت: «تفو بر تو ای چرخ گردون تفو» که چنین سرنوشتی برای ملك کیانی رقم زدی.

حکومت اسلامی کاری ندارد که به امنیت یا تمامیت ارضی و یا استقلال ملی لطمه وارد شود، او مأموریت و هدفی والاتر و بالاتر از آن دارد و آنهم اینست که تا حد ممکن بوسیله روحانیت یا فرزندان آنها (آزاده ها) بیشتر چپاول کند و برای چند روز بیشتر بماند. رژیم همواره از راه ایجاد ترس و

نگرانی از طریق کشتن، زندانی کردن، سنگسار نمودن، انگشت و دست بریدن مردم را مطیع و خاموش کرده است ولی تمام اینها یک روی سکه است، روی دیگرش بازیهای سیاسی و سرگرمی مردم است که توسط ستون پنجم به اجرا درمی آید همانطوریکه در جریان اول و دوم شاهد بودیم نقش ستون پنجم در تبلیغات خارجی و داخلی بسیار مؤثر بود. ملت ایران دیگر نمی بایست به سویی رود که رژیم آن را ترسیم کرده است و ستون پنجم حکومت از آن حمایت می کند.

هم اکنون سرمایه گذاری حکومت اسلامی در ایجاد طرح وفاق ملی و جریان سوم می باشد. این آخرین تولیدات کارخانه سیاسی رژیم است و اینها هم خیلی به آن امید بسته اند.

در این فریب تازه شعارها و خواسته ها از جریان اول و دوم پا فراتر نهاده است. در این طرح رژیم در نظر دارد بین تمام هم میهنان دوستی، همگنی و همراهی سیاسی در ترفندی دیگر برای بقاء حکومت خود ایجاد کند.

این اندیشه در ظاهر بسیار پرجاذبه است ولی چگونه می توان با شعار «با دشمنان مدارا» گروههای ظالم و مظلوم را مستمع کرد.

در هر صورت تا زمانی که قانون اساسی حکومت اسلامی و شخص ولی فقیه برجاست، انتظار هر تغییری در وضع موجود خواب و خیالی بیش نیست.

تمامی این دسیسه ها از نهاد رهبری رژیم سرچشمه می گیرد، و اینکه کدام عقل سالم قبول می کند که یک حکومت مذهبی تنوری سیاسی ارائه می دهد که حاوی و حامل آزادی، دموکراسی، رفاه و بهروزی انسان باشد، رژیمی که عمل کرد 23 ساله آن بر همگان روشن است.

متولیان طرح وفاق ملی و جریان سوم «رژیم» کسانی هستند که تا گردن در عفونت لجن زار رژیم فرورفته اند و قدرت تبلیغات و قهرمان آفرینی آن از سوی نهاد رهبری حمایت می شود.

برای اجرای این طرح حکومت اسلامی بودجه کلانی برای حمایت از احزابی که خود را در آن شرکت داده اند در نظر گرفته است. در این میان برخی از گروهها، انجمن ها و احزاب سیاسی در خارج هم میل به اشتراک در آن دارند و با آنها ستون پنجم رژیم تکمیل خواهد شد. باید گفت که اینان خواسته یا نخواستنه خانن به میهن اهورانی خواهند بود. مردم ایران یک جریان و یک خط دارند و آن مبارزه تا سرنگونی و براندازی رژیم پلید و غیرمردمی حکومت اسلامی است.

سازمان پارس و شورای براندازی به تمام هم میهنان نوید میدهد که بسیار نزدیک خواهد بود که شلاق خشم مردم ایران بر صورت حاکمان غاصب پر میهن ما فرود آید و در آتشفشان به آنها می فهمانیم که ایران و ایرانی تنها یک هدف و جریان دارد و آن حمایت از جنبش براندازی برای رسیدن به آزادی، بهزیستی، تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت و غرور ملی می باشد.

دشمنان ایران زمین فراموش نکنید که رمز مبارزه ایرانیان با دشمن غاصب چنین است: ما بهترین ضربه خود را در اولین حمله بکار نمی بریم، بلکه در بهترین موقعیت برای نابودی دشمن از آن بهره خواهیم برد.

جاوید ایران